

راه کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی

fotohi2481@anjomedu.ir

کسیدحسین فتوحی / دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم

srmrn1346@gmail.com

سیدمحمد رضا موسوی نسب / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

پذیرش: ۹۴/۱/۲۴

دریافت: ۹۳/۷/۲۷

چکیده

بی‌شک، ارزش‌های دینی زمینه‌ساز تعالی و سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها می‌باشند. انتقال و آموزش این ارزش‌ها به نسل‌های امروز و آینده از دغدغه‌های مهم جوامع دینی است. نهاد آموزش و پرورش از مهم‌ترین نهادهایی است که در انتقال ارزش‌ها نقش مهم و اساسی را بر عهده دارد. نتایج پژوهش، که بر پایه مطالعات اسنادی و به روش توصیفی - تحلیلی است، نشان داد: با توجه به ویژگی‌های روحی و روانی کودکان، باید به پرورش جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی کودکان پرداخت و بر این اساس نیز انگیزه‌مندیان را به یادگیری آموزه‌های دینی و انجام آن برانگیخت. استفاده از زبان داستان، قصه، تمثیل و بهره‌گیری از روش پرسش و پاسخ، تمرین و تکرار، تشویق و غیره از کارآمدترین روش‌ها در انتقال و توسعه ارزش‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، ارزش‌های دینی، انتقال ارزش‌ها، راه کارهای تربیت دینی، کودکان دبستانی.

مقدمه

موضوع قابل استفاده می‌باشند. از این رو، با توجه به اهمیت تربیت دینی و کمبود منابع در حوزه درونی‌سازی آن، در این مقاله به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود و نتایج آن می‌تواند مورد استفاده مریبان و دست‌اندرکاران تبلیغ دینی قرار گیرد.

بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: برای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی چه راه‌کارهایی وجود دارد؟

نظر به این پرسش اصلی، سؤال‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود؛ از جمله:

۱. راه‌کارهای شناختی انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی کدام است؟
۲. راه‌کارهای عاطفی انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی کدام است؟
۳. راه‌کارهای رفتاری انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی کدام است؟

مفهوم‌شناسی

پیش از هرگونه بحثی در باب راه‌کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی، ارائه تعریفی از مفاهیم ضروری می‌نماید.

۱. تربیت دینی

«تربیت دینی» عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه متعهد و پایبند گردند. بر اساس این تعریف، تربیت دینی منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمیه نیست، بلکه در هر جایی ممکن است تلاشی هدفدار به منظور آموزش معارف

ارزش‌ها به منزله مطلوبیت‌هایی که در هر جامعه پذیرفته شده‌اند، نقش سازنده‌ای در حرکت و تعالی جوامع انسانی بر عهده دارند. جوامع بشری می‌کوشند ارزش‌های پذیرفته‌شده در حوزه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری - که در حقیقت، جامعه واحد و فرهنگ حاکم بر جامعه، همین ارزش‌های پذیرفته‌شده می‌باشد - را حفظ و به روش و شیوه‌های مختلف به نسل‌های امروز و آینده منتقل کنند. ارزش‌های دینی و اسلامی که برآمده از جایگاهی متعالی و الهی می‌باشند و مجموعه‌ای از باورها، اخلاقیات و احکام را شامل می‌شوند نیز اموری هستند که پیروان مکتب اسلام پیوسته تلاش نموده‌اند به دیگران منتقل نمایند. تحقق این امر بر عهده نهادهای گوناگون به‌ویژه نهاد آموزش و پرورش گذاشته شده است.

بررسی راه‌کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان، کمتر در پژوهش‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، کریم‌زاده در مقاله «سازوکارهای روان‌شناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی» (۱۳۸۹)، به بررسی رویکردهای درونی‌سازی پرداخته و رویکرد روان تحلیل‌گری، یادگیری اجتماعی، اسناد، شناختی تحولی و شناختی عاطفی را بیان نموده است.

همچنین توکلی و ندریشی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «روش‌های درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در قرآن کریم» (۱۳۹۲)، روش‌های بینشی درونی‌سازی ارزش‌های اخلاق اجتماعی (اعطای بینش، برانگیختن تفکر و تعقل، تبیین ارزش‌ها و روش‌های گرایشی با موعظه، تحریک عواطف و...) و روش‌های رفتاری را تغییر موقعیت، استعاذه و ارائه الگو معرفی می‌کند.

بسیاری از منابع درباره روش‌های تربیتی در این

جایگاه مهم تری برخوردار است؛ زیرا این دوران با توجه به ویژگی های خاص خود، دربردارنده زمینۀ کافی برای دریافت سریع و عمیق ارزش های دینی است. بنابراین، یکی از وظایف و اهداف آموزش و پرورش انتقال ارزش هاست که از طریق معلم، کلاس و مدرسه تحقق می یابد (شفلید، ۱۳۷۵، ص ۲۵۵).

۴. راه کارهای تربیت دینی

منظور ما از عنوان ذکر شده (راه کارهای تربیت دینی) در پژوهش حاضر، روش های تربیت دینی می باشد؛ چراکه روش ها، دستورالعمل های جزئی هستند که اهداف و اصول آموزش دینی را به ثمر می رسانند و به آنها عینیت می بخشند. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش دینی، عبارت از روش های تربیت دینی است. روش ها دستورالعمل جزئی هستند که برای ایجاد تغییرات مطلوب در فرد متربی به کار گرفته می شود. هر دسته از این دستورالعمل ها در دامنه یک اصل تربیتی قرار گرفته و مبتنی بر آنند. در کشف روش ها توجه به مبانی و اهداف تربیت و ارتباط با آنها ضرورت دارد (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۶۶).

۱. کودکان دبستانی

منابعی که به مراحل رشد کودک از دریچۀ روان شناسی و علوم تربیتی نگریسته اند، بر اساس ویژگی های کودک و نیازهای او دوره هایی را تعیین و نام هایی را برای هر دوره انتخاب کرده اند. در سال های اخیر، تقسیم کودکی از آغاز (تولد) تا پایان (آغاز نوجوانی) به سه مرحله، متداول شده است: - کودکی اول یا کودکی نخست؛ از تولد تا حدود دو سالگی؛
- کودکی دوم یا کودکی میانه؛ از دو تا شش - هفت سالگی؛

دینی صورت گیرد؛ خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای دیگر (داودی، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۶).

۲. ارزش های دینی

«ارزش های دینی» عبارت از اموری هستند که مطلوب خداوند به عنوان نازل کننده و فرستنده دین برای هدایت بشر به سر منزل مقصود می باشند (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۹). ارزش های دینی را می توان به سه قسمت اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم کرد. ارزش های اعتقادی را همان توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد شکل می دهند و ارزش های اخلاقی باید ها و نبایدهایی هستند که در حوزه علم اخلاق بیان شده و مورد پسند علم اخلاق خواهد بود. در حوزه اخلاق، به عنوان یکی از ابعاد سه گانه دین، ویژگی های اخلاقی شخصیتی همچون عدالت، تقوا، شجاعت، غیرت، عفت، صداقت، امانت و... مطرح می شود. ارزش های فقهی عبارت است از باید ها و نبایدهایی که در حوزه فقه اسلامی مطرح می شود (حسینی، ۱۳۷۶، ص ۴۸).

۳. انتقال ارزش ها

منظور از انتقال ارزش ها، عبارت از ارزش هایی است که گذشتگان به آن پایبند بودند و اکنون می بایست این ارزش ها را به منظور رشد و تعالی و سعادت نسل جدید منتقل نمود که در این زمینه، نهادهای مختلف نظیر صدا و سیما، وزارت ارشاد اسلامی، حوزه های علمیه، خانواده، همسالان و آموزش و پرورش، عهده دار حفظ و انتقال آن هستند. تردیدی نیست که انتقال ارزش ها با تمام حساسیت و ظرافت خود، باید قبل از همه در کودکان نهادینه و تزریق شود. تمام نهادها ضامن انتقال این ارزش ها می باشند، لیکن نهاد آموزش و پرورش از

طرز تلقی بسیط و غیردینی به شاگرد و تربیت او نگریت. معلمان اگر با اصول و مبانی و اهداف تعلیم و تربیت، ویژگی‌های فراگیران و نیاز آن و روش‌ها و فنون آشنایی نداشته باشند، هرگز قادر نیستند به عنوان سازندگان جامعه ایفای نقش کنند. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال ارائه شیوه‌هایی همچون آموزش می‌باشد که به چند صورت از جمله: آموزش به صورت مستقیم، غیرمستقیم، پرسش و پاسخ و تذکر در حیطه روش‌شناختی، قابل بررسی و تبیین است.

۱-۱. آموزش مستقیم: از جمله روش‌هایی که در هر آموزش و تربیت به‌ویژه تربیت دینی متصور است، آموزش به صورت مستقیم اعم از سخنرانی، نصیحت، استدلال، تذکر شخصی و مانند اینهاست.

با بررسی سیره معصومان علیهم‌السلام مواردی یافت می‌شود که در مورد تصحیح عبادات (آموزش عبادات) به صورت مستقیم به افراد تذکر می‌دادند. در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. در روایتی آمده است که امام کاظم علیه‌السلام به علی بن عقبه که شکل صحیح رکوع را به‌جا نمی‌آورد، مستقیماً تذکر می‌دهد و او را از این کار نهی می‌کند. علی بن عقبه نقل می‌کند: «امام کاظم علیه‌السلام مرا در مدینه دید، درحالی که نماز می‌گزاردم و در رکوع سرم را بالا گرفته و کمرم را صاف نگرفته بودم، کسی را نزد من فرستاد که (این کار را) نکن» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۲۱).

۱. ابن مسعود نقل می‌کند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام نماز دست خود را بر روی شانه ما قرار می‌داد و می‌فرمود: «صاف و منظم بایستید، کج نایستید که بین دل‌هایتان اختلاف می‌افتد» (ورام بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۶۶).

۱-۲. آموزش به صورت غیرمستقیم: آموزش به صورت غیرمستقیم از جمله شیوه‌هایی است که در نظام آموزشی

- کودکی سوم یا کودکی پایانی؛ از شش - هفت سالگی تا دوازده سالگی (منصور، ۱۳۷۸، ص ۶۹).

ضرورت انتخاب این دوره سنی بدین خاطر است که شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد در این دوره بیشتر صورت می‌پذیرد. دوره ابتدایی در رشد مفاهیمی که کودک در زندگی روزمره با آنها مواجه است، نقش مهمی بر عهده دارد. این دوره تداوم‌بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک می‌باشد که در خانواده پی‌ریزی شده است. همچنین دوره‌ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می‌گردد و استعدادهای هر کودک به تدریج شکوفا می‌شود (صافی، ۱۳۸۲، ص ۴۰-۴۱).

راهکارهای انتقال ارزش‌های دینی

منظور ما از عنوان ذکر شده در پژوهش حاضر، روش‌ها، بیان شیوه‌ها و فنون و دستورالعمل‌های جزئی دینی است که اهداف و اصول آموزش دینی را به ثمر می‌رساند و به آنها عینیت می‌بخشد. بر این اساس، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین، تشخیص روش‌های آموزش دینی و به‌کارگیری صحیح و مناسب آن، به‌ویژه برای کودکان می‌باشد. بنابراین، در این پژوهش به بررسی روش و شیوه‌های مفاهیم و آموزه‌های دینی مناسب کودکان در ضمن روش‌شناختی، عاطفی و رفتاری خواهیم پرداخت.

۱. ایجاد شناخت دینی

در دنیای پیچیده امروز هیچ‌کس بی‌نیاز از تعلیم و تربیت نیست. امروز فعالیت مدرسه و آموختن، خود بخشی عظیمی از زندگی انسان‌ها شده است. دیگر نمی‌توان با

۱-۳. آموزش به روش عملی و عینی: اهمیت این روش در آموزش، بخصوص در آموزش مفاهیم ذهنی و انتزاعی بر کسی پوشیده نیست. به‌ویژه در هفت سال دوم که به نام «دوره ملموس» نیز خوانده می‌شود؛ یعنی دانسته‌های کودک در این سن بیشتر از طریق کاربرد و استفاده از وسایل آموزشی صورت می‌گیرد (مهجور، ۱۳۷۳، ص ۲۴).

نویسنده کتاب *نگرشی بر آموزش* در توضیح این روش می‌نویسد: «آموزش عملی به آموزشی گفته می‌شود که مربی و آموزش‌دهنده یا خود آنچه را که می‌خواهد آموزش دهد، انجام می‌دهد تا کارآموز و دانش‌آموز آن را ببیند و فرا بگیرد و یا اینکه شاگرد و کارآموز را به عمل وادار می‌کند، تا خود تجربه کند و یاد بگیرد. نوع اول را «آموزش مشاهده‌ای» نیز می‌توان نامید؛ اما نوع دوم را «آموزش عملی» یا «آموزش از راه عمل» می‌نامند... (و از طرفی یادگیری در) آموزش عملی، چون با حواس انسان سروکار دارد، عمیق‌تر و ماندگارتر است؛ از این رو، اگر مسائلی را که به صورت نظری نیز می‌توان آموزش داد، به صورت عملی آموزش داده شود، انتقال بهتر صورت می‌گیرد و اثر آن ماندگارتر است» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰).

نویسنده دیگری معتقد است: «آنچه در برابر دیدگان انسان قرار دارد، اثربخش‌تر و آموزنده‌تر از حقایقی است که به گوش می‌رسد و یا خوانده می‌شود. تعلیم عملی، نافع‌تر از تعلیم باگفتار است» (حجتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۸).

۱-۴. آموزش به صورت روش پرسش و پاسخ: این روش را روش سقراطی نیز گفته‌اند. سقراط معتقد بود که دانش در طبیعت افراد وجود دارد. کافی است که معلم زمینه را مساعد کند و به شاگرد کمک نماید تا او خود به دانش موردنظر برسد. چنان‌که صاحب‌نظران گفته‌اند، روش سقراطی را در همه سطوح تحصیلی بخصوص در دبستان می‌توان به کار برد. از جمله مزایای این روش، می‌توان به

و تربیتی به‌ویژه در تربیت دینی کودکان بسیار مفید و مؤثر است. اگرچه تأثیر آموزش مستقیم در جای خود زیاد است، ولی در اکثر موارد آموزش غیرمستقیم علاوه بر اینکه اثر مؤثرتری بر روی مرتبی می‌گذارد، کارآمدترین شیوه برای دعوت بوده و از حیث یادگیری نیز از پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها محسوب می‌شود.

معمولاً افراد از لحاظ روانی در برابر روش مستقیم موضع انفعالی به خود می‌گیرند و گاه موجب رنجش خاطر آنان می‌شود، در نتیجه، با مقاومت منفی روانی از طرف مرتبی همراه است و چه‌بسا گاهی ممکن است لجاجت او را در پی داشته باشد (عطاردی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷).

در دوره پیش‌دبستانی که از ویژگی‌های این دوره «تقلید و الگوبرداری» است، اهمیت بیشتر نمایان می‌شود. از این رو، باید روش‌های آموزش در تربیت دینی کودکان در این دوره، کاملاً غیرمستقیم و حتی توأم با بازی بوده و از به‌کاربردن روش‌های دستوری و امرانه خودداری شود. همچنین باید سعی شود از تذکر نابجا و نامناسب و انتقاد کمتر استفاده نمود، تا مرتبی علاقه قلبی خود را ابراز کند. به‌طورکلی، باید «در آموزش غیرمستقیم از نتیجه‌گیری‌های صریح و توصیه‌ای آنها به دانش‌آموزان، اجتناب کرد و این امر را به عهده خود آنان قرار داد تا آموزش، از حالت غیرمستقیم خارج نشود» (باهنر، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵).

نکته‌ای که در اینجا لازم است بیان شود این است که اولاً، استفاده از این دو روش مستقیم و غیرمستقیم نسبت به افراد، از نظر سن و روحیات آنان و موارد تفاوت می‌کند. از این رو، در کاربرد آنها باید تمام جوانب و شرایط مرتبی را مورد ملاحظه قرار دهیم. ثانیاً، استفاده از شعر، داستان، نمایش، بحث و گفت‌وگو و مانند اینها برای آموزش عبادات که جزو شیوه‌های غیرمستقیم به حساب می‌آیند بر تأثیر و جذابیت آموزش و یادگیری آن می‌افزاید.

موارد ذیل اشاره کرد:

۱. دانش آموز را به تفکر و فعالیت وامی دارد.
 ۲. اعتماد به نفس و ابتکار دانش آموزان را افزایش می دهد؛ زیرا می تواند اظهار وجود کنند.
 ۳. دانش آموزان را به شرکت در بحث و فعالیت های آموزشی و در نتیجه، یادگیری مؤثر تشویق می کند.
 ۴. محیط کلاس برای معلم و دانش آموز نشاط انگیز می شود (شعبانی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴).
- اما سؤالات باید به صورت ساده و به زبان محاوره و با توجه به توانایی فکری و علمی دانش آموز مطرح شوند. در اهمیت استفاده از این روش، همین بس که قرآن کریم در ده آیه با ارائه سؤال های اساسی از آفرینش انسان حیوانات، زمین و آسمان، شب و روز، خورشید و ماه و... آدمیان را به مطالعه و تفکر در این باره وامی دارد تا آنان از طریق بینش و آگاهی به حقیقت (مبدأ و معاد) هدایت یابند؛ چنان که می فرماید:
- آیا در وجود خدا شک دارید و حال اینکه او زمین و آسمان را آفریده است (ابراهیم: ۱۰)؛
- آیا به شتری نمی نگرند که چگونه آفریده است؟ و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده؟... (غاشیه: ۱۸-۲۰).

علاوه بر تعالیم وحی، در سیره آموزشی معصومان علیهم السلام نیز تشویق و ترغیب مخاطبان به سؤال بسیار به چشم می خورد؛ چنان که می فرمایند: «دانش گنجینه ای است که کلید آن پرسش است؛ پس خداوند شما را رحمت کند؛ پرسید که خداوند به چهار کس (درباره سؤال) اجر می دهد: پرسشگر، گوینده، شنونده، و علاقه مند به آنها» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ح ۲۸۶۶۲).

۱-۵. آموزش به صورت روش تذکر و یادآوری نعمت الهی: خداوند نعمت های مادی و معنوی برای بشر آفریده

است. به عبارتی، خداوند انسان را غرق در نعمت های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او نهاده است. در قرآن، نعمت های الهی بر دو گونه اند: نعمت های ظاهری و نعمت های باطنی.

در اینکه منظور از نعمت های «ظاهر» و «باطن» در آیه چیست، مفسران بسیار سخن گفته اند. احادیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو و توحید و نبوت و اسلام دانسته اند و نعمت باطنی را ولایت و مؤدت اهل بیت پیامبر و... (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۴۷).

بنابراین، انسان گرچه فطرتی خداجو دارد، ولی گاهی با مشغول شدن به زندگی مادی و توجه به امور و شئون گوناگون آن، دچار نسیان و فراموشی می شود که نیاز به یادآوری دارد؛ بنابراین، باید یکی از راه های شناخت خداوند و ایجاد حب، یادآوری عظمت نعمت های او برای مردم باشد. چنان که امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمودند: «خداوند به حضرت موسی وحی نمود که مرا محبوب بندگانم قرار بده. عرض نمود: چگونه؟ وحی آمد: نعمت های مرا برای آنان یادآوری کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۵۱).

۲. ایجاد عواطف دینی

نیازهای کودکان، تنها در قلمرو نیازهای مادی، همانند غذا، پوشاک و مسکن محدود نمی شود؛ هریک از نیازهای طبیعی درونی و بیرونی انسان بخشی از زندگی را دربر می گیرند که کامل کننده نیازهای انسانی است. از جمله نیازهای روانی که ارتباط نزدیکی با شخصیت بیرونی انسان دارد و تأثیرات آن در رفتار افراد و بخصوص کودکان و نوجوانان ملموس است، نیازهای عاطفی و احساس روانی است که در رشد و تعالی جنبه های فیزیکی

۲-۲. روش قصه‌گویی: در اهمیت این روش و بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و مکتب آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش و هدایت و القای مفاهیم و پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است.

«اگر ما همه قصه و حکایت را در کتب آسمانی می‌بینیم بدان جهت است که این کتب می‌خواهند مفاهیم و پیام‌های دینی را به زبانی برای مردم ابلاغ کنند که موافق طبع و مورد علاقه آنان باشد تا از این طریق بتوانند آنها را بهتر ارشاد و هدایت کنند و این زبان، همان زبان داستان است در این میان، ملاحظه می‌شود که بخش‌هایی از قرآن کریم نیز به نقل داستان‌های گوناگون اختصاص یافته است. قرآن برای بیان و ابلاغ اهداف دینی خود نظیر: اثبات توحید، اثبات وحی و رسالت، دعوت مردم به سوی حق و عدالت و... این داستان‌ها را به کار گرفته است» (بستانی، ۱۳۷۲، ص ۸).

۳. ایجاد رفتار دینی

از آنجاکه انسان آفریده خداست، بی تردید، بهترین برنامه برای کمال جسم و روح او برنامه‌ای است که از سوی خداوند تنظیم یافته باشد و این برنامه در آداب و رسوم پیامبران بزرگ خدا و اوصیای گرامی ایشان متجلی است و کامل‌ترین آنها همان راه و روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ چنان‌که در آیه ۲۱ سوره مبارکه «احزاب»، راه و روش آن حضرت بهترین الگو و سرمشق زندگی برای هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد معرفی گردیده است. از آن‌رو که هر مسلمانی شایق است از رفتار پیامبر خویش آگاه باشد، پژوهش حاضر از این نقطه نظر غافل نمانده و برخی از شیوه‌های رفتاری (تمرین و تکرار، روش الگویی، تشویق و ترغیب) را بیان نموده است.

و روانی وجود انسان بسیار اثربخش است.

در این پژوهش سعی شده است برخی از شیوه‌های عاطفی (تمثیل و قصه) کودکان که منجر به تحریک عاطفی کودکان شده و در ماندگاری و درونی شدن ارزش‌های آموخته اثرگذار باشد اشاره کنیم.

۲-۱. روش استفاده از تمثیل: استفاده از تمثیل برای هرچه بیشتر آشکار ساختن مطالب و درک بهتر و سریع‌تر آن کمک می‌کند. در بیان مطالب علمی و عقلی، تمثیل بهترین وسیله برای ساده‌تر کردن مطلب است و فایده مهم استفاده از این روش آن است که «شنونده مطالب را به صورتی کاملاً آماده دریافت نمی‌کند، بلکه در فهم مطالب و لذت بردن از آن، از تفکر، درک و تخیل خویش بهره می‌گیرد. تمثیل و تشبیه غالباً با خیال‌انگیزی و تخیل همراه است؛ لذا در ارائه پیام‌ها و تأثیرگذاری‌ها تأثیر زیادی دارد» (خادمی، ۱۳۸۹، ص ۹۸).

از این‌رو، یکی از روش‌های مفید دینی استفاده از مثال و تمثیل است. استفاده از مثال‌های متنوع از راه تشبیه معقول به محسوس، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزان آسان‌تر می‌کند، هرچه فراگیران از نظر رشد فکری ضعیف‌تر و یا از نظر رشد طبیعی در سطح پایین‌تری باشند، نقش مثال در تفهیم مطالب بر آنان بیشتر می‌شود (سادات، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

برای نمونه، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. «حکایت عالمی که به مردم نیکی می‌آموزد و خود را فراموش می‌کند، همچون شمعی است که به مردم روشنی می‌بخشد و خود را می‌سوزاند» (قمی، ۱۴۱۶ق، ح ۲۷۲۵).
۲. «مَثَل کسی که در کودکی علم می‌آموزد، مانند نقش بر سنگ است و کسی که در پیری علم می‌آموزد، مانند کسی که بر آب می‌نویسد» (همان، ح ۲۷۲۴).

او شکل بگیرد. بنابراین، تمرین دادن متربی به اعمال عبادی باید به عنوان یک شیوه لازم در تربیت دینی مورد توجه قرار بگیرد تا کودک در همان دوران به تدریج آمادگی لازم را در قبال تکالیف و دستورات الهی پیدا کند، به طوری که وقتی به سن تکلیف رسید، خود به خود تکالیف و وظایف شرعی خود را انجام دهد.

۳-۲. تشویق و ترغیب: یکی از شیوه‌های تربیتی مورد اتفاق قرآن کریم، معصومان علیهم‌السلام و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت، استفاده از شیوه «تشویق و تنبیه» است. این روش نه تنها در دوره کودکی، بلکه در تمام مراحل زندگی انسان و برای تمامی انسان‌ها کاربرد دارد، اما در مرحله کودکی تأثیر آن دو برابر است. تشویق در تحریک انگیزه فراگیر برای یادگیری و همچنین تقویت رفتار مطلوب، عاملی بسیار قوی و مؤثر می‌باشد.

شهید مطهری با توجه به این شیوه معتقد است: اسلام که می‌گوید: بچه‌ات را وادار به نماز خواندن کن، نمی‌گوید آقامآبانه فرمان بده، تشر بزن، دعواش بکن، بلکه می‌گوید از هر وسیله‌ای که می‌دانید بهتر می‌شود که یاد دادن و وادار کردن با زور نتیجه‌ای ندارد، کوشش کنید که بچه‌تان از اول به نماز خواندن رغبت داشته باشد و به این کار تشویق بشود. به هر شکلی که می‌توانید موجبات تشویق بچه‌تان را فراهم کنید که با ذوق و شوق نماز بخواند، زیاد به او بارک‌الله بگویید، جایزه بدهید، اظهار محبت کنید که بفهمد وقتی نماز می‌خواند بر محبت شما نسبت به او افزوده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۹۹).

امام خمینی ره نیز بسیار به این شیوه توجه و دقت داشتند. نوه امام می‌گوید: وقتی بچه بودم، یک بار که امام مشغول نماز خواندن بودند من هم رفتم و پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان می‌کردند

۳-۱. تمرین و تکرار و مداومت در آموزش مسائل دینی: تمرین عملی نه تنها در یادگیری مهارت‌های حرکتی مهم است، بلکه در یادگیری علوم نظری و رفتارهای اخلاقی و فضایل و ارزش‌ها و آداب اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ زیرا اگر انسان کاری را که می‌خواهد یاد بگیرد خودش انجام دهد، به سرعت و دقت یادگیری خودکمک می‌کند (نجاتی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۱).

اندیشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی نیز با استفاده از این روش، تمرین و تکرار را در آموزش و یادگیری مؤثر دانسته و از این رو، در کتاب‌های خویش دانش‌آموزان را توصیه به تمرین و تکرار در امر فراگیری نموده و گفته‌اند: «الدرس حرف و التکرار الف». چنان‌که خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری می‌نویسد: «آدمی در زمینه تعلیم و تربیت، حرفه و فن و صنعت و اخلاق آن‌گاه به مهارت و رشد و تکامل و پیشرفت می‌رسد که با درس و کار و حرفه خود انس گیرد و آن را شعار خود قرار دهد و با تمرین و تکرار و ممارست در جهت ایجاد عادت مناسب و مهارت‌ها و در نهایت، کسب سلکات و هیئت‌های نفسانی بکوشد» (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۶۴). وی به دانش‌آموزان توصیه می‌کند که پس از فراگیری درس و تأمل و دقت در آن، با انگیزه و با نشاط آن را تکرار کنند؛ زیرا تمرین و تکرار موجب می‌شود که اولاً، آدمی از آفت نسیان مصون بماند و ثانیاً، تمرین و تکرار وسیله بهره‌گیری بیشتر از استعدادها و توانایی‌هاست (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

متولیان تربیتی نیز می‌توانند با استفاده از این روش، یک مسئله مذهبی و عبادی را به صورت تکرار و تمرین به کار بگیرند تا آموزش به شکل مناسب صورت گیرد. بدین‌سان، کودک را به تکرار عبادتی سوق دهند تا کم‌کم زمینه انس و عادت و در نتیجه، تثبیت آن عمل در وجود

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان «راه کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی» به بررسی راه کارهای شناختی، عاطفی و رفتاری قابل بهره‌گیری برای انتقال ارزش‌های دینی پرداخته است. با توجه به ویژگی‌های شناختی و روانی کودکان در این سن، در حوزه شناختی بهتر است از روش‌های آموزش به صورت مستقیم، غیرمستقیم، آموزش به روش عملی و عینی و آموزش به صورت روش پرسش و پاسخ استفاده شود. در حوزه عاطفی نیز بهتر است از روش‌های تمثیل و قصه، و در حوزه رفتاری از روش‌های تمرین و تکرار و تشویق و ترغیب بهره برد.

تکرار کردم، امام چند جلد کتاب کودکان که همان دور و بر بود برداشتند و به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام رفتم یا ایشان قدم می‌زدند و من ایشان را می‌دیدم، اول از من سؤال می‌کردند: نمازت را خوانده‌ای یا نه؟ اگر نماز خوانده بودم، می‌گفتند: آفرین و اگر هنوز نخوانده بودم می‌گفتند: بخوان و نصیحتم می‌کردند و می‌گفتند: نمازت را اول وقت بخوان (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

شهید ثانی می‌گوید: فایده تشویق این است که موجب نشاط و شادابی شاگرد در امر تحصیل می‌شود و باعث می‌گردد که بیش از پیش در انجام وظایف خویش کوشا باشد (هاشمیان، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).

۱-۲-۳. انواع تشویق: تشویق کودکان به دو صورت گفتاری و عملی می‌تواند انجام شود. در تشویق‌های گفتاری که در آن، معلمان با گفتن کلماتی همچون عالی، خیلی خوب، خوب، احسنت، آفرین، صد آفرین و... رفتار کودکان را تأیید و موجب رشد و پیشرفت کودک در تحصیل و کسب فضایل اخلاقی می‌گردند.

تشویق نیز به صورت مختلفی تجلی می‌کند؛ مانند دادن جایزه، وعده، پاداش، افزایش نمره درسی و انضباط، لبخند زدن و نگاه محبت‌آمیز و...

نکاتی که در تشویق دانش‌آموز باید ملاحظه نمود:

۱. مشوق یا عامل تشویق، باید دارای جنبه مثبت باشد.
۲. عامل تشویق باید از درون شاگرد الهام بگیرد.
۳. عامل تشویق باید احساس پیروزی و موفقیت را در شاگرد ایجاد کند.
۴. عامل تشویق‌کننده باید با جهات روانی شاگرد مناسب باشد.

۵. عامل تشویق نباید به صورت هدف درآید (قائمی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۴-۲۳۱).

- ص ۲۸۵.
- کلبینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، ط. الثالثه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مظهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *تعلیم و تربیت در اسلام*، چ جهل و ششم، تهران، صدرا.
- منصور، محمود، ۱۳۷۸، *روان‌شناسی ژنتیک تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران، مدرسه.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- مهجور، رضا، ۱۳۷۳، *چگونه کودکانی سرآمد داشته باشیم*، چ سوم، تهران، اسوه.
- نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۸۱، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، چ پنجم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ورام‌بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، ۱۳۶۹، *مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)*، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هاشمیان، سیداحمد، ۱۳۸۴، *اصول و مبانی روان‌شناسی تربیتی*، تهران، کتاب‌سرای تندیس.
- منابع**
- باهنر، ناصر، ۱۳۸۷، *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*، چ نهم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- بستانی، محمود، ۱۳۷۲، *جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۷، *آرامی دانشمندان مسلمان در تعلیم تربیت و میبانی آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توکلی و نندی، احمد، ۱۳۹۲، *روش‌های درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در قرآن کریم*، پایان‌نامه ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حجتی، محمدباقر، ۱۳۸۵، *اسلام و تعلیم و تربیت*، چ بیست و یکم، تهران، فرهنگ اسلامی.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، ۱۳۸۵، *نگرشی بر آموزش*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سیدفضل‌الله، ۱۳۷۶، *اصول و مبانی کرامت انسان*، تهران، عروج.
- خادمی، عین‌الله، ۱۳۸۹، *بررسی عوامل مؤثر بر درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی در دانش‌آموزان*، قم، آموزش و پرورش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷، *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*، تهران، دوستان.
- داودی، علی‌مراد، ۱۳۸۶، *مقالات داودی*، تهران، خوارزمی.
- سادات، محمدعلی، ۱۳۸۰، *رفتار والدین با فرزندان*، چ ششم، تهران، اولیا و مربیان.
- شعبانی، حسن، ۱۳۷۶، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی*، چ هشتم، تهران، سمت.
- شفلید، هری، ۱۳۷۵، *کلیات فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، قطره.
- صافی، احمد، ۱۳۸۲، *آموزش و پرورش ابتدایی*، راهنمایی *تحصیلی و متوسطه*، چ پنجم، تهران، سمت.
- غزالی، ابو‌حامد، ۱۳۷۴، *مشکاة الانوار*، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد.
- قائمی، علی، ۱۳۷۰، *پرورش مذهبی، اخلاق کودکان*، تهران، امید.
- قمی، شیخ عباس، ۱۴۱۶ق، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، چ دوم، قم، دارالاسوه.
- کریم‌زاده، صادق، ۱۳۸۹، «سازوکارهای روان‌شناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی»، *روانشناسی و دین*، ش ۲،